

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا) / جلسه ۲۷

۱۳۹۴ / ۰۶ / ۱۶

■ ماه ذی القعدة، ماه امام رضا (عليه السلام)

■ علت حمله وهابيت به زيارت

■ ابعاد عبادی و اجتماعی زیارت

۱. دستیابی به معرفت نفس

۲. دستیابی به معرفت الهی

۳. آشنایی با مبانی دینی از طریق خواندن زیارتنامه‌ها

۴. انسجام‌بخشی به شیعیان

۵. بسترساز خدمات اجتماعی فراوان

۶. نظام‌سازی در بُعد سیاسی

علت حمله وهابیت به زیارت

موضوعی که می‌خواهم مطرح کنم، یک طرح مسئله است.

در موج جدید شبهه‌افکنی جریان وهابیت - این فرقه منحط و عقب‌مانده و منجمد که از دلش پلیدی‌های فراوان و پلشتی‌های غیرقابل تصور در زمان ما به وجود آمده - نهادهای ویژه‌ای از پیروان اهل بیت و اسلام ناب مورد حمله قرار می‌گیرد که از موارد پرافتخاری هستند. از اهم آنها و در صدر آنها، زیارت حرم اولیا است. با توجه به اینکه در عربستان، همین جریان منحط حاکم است، در حرم نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) علیه زیارت موضع‌گیری می‌کنند و رفتارهای خیلی تند و زشتی اتفاق می‌افتد. در بقیع مسئله خیلی جدی‌تر و فعال‌تر، و رفتارها نامناسب‌تر است. نوعاً از کلمه‌ای استفاده می‌کنند که قبیح‌ترین کلمه است و در فهرست اتهام‌ها، زشت‌ترین اتهامی است که ممکن است به کسی زده شود، یعنی کلمه «شُرک». دائماً این را تکرار می‌کنند و جلوی زیارت دوستان پیامبر و اهل بیت (صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین) را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمحذ

ماه ذی القعدة، ماه امام رضا (علیه السلام)

ماه ذی‌قعدة به نام نامی حضرت رضا (علیه الصلوه و السلام) شناخته شده است. آغاز ماه ولادت باسعادت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) است. نوزدهم ولادت فرخنده خود حضرت است. بیست و سوم روز زیارت مخصوص آن حضرت است. در روز بیست و پنجم که به عنوان دحوالارض شناخته می‌شود، زیارت حضرت نیز وارد شده است. روز پایانی این ماه نیز شهادت حضرت جوادالائمه (علیه الصلوه و السلام) فرزند گرامی آن حضرت است. لذا این ماه نسبت خاصی با حضرت رضا (علیه الصلوه و السلام) دارد. جلسه امروز ما در روز ۲۳ قرار گرفته که روز زیارت مخصوص آن حضرت است. فرصت از این جهت مغتنم است که چند جمله‌ای درباره آن حضرت عرض کنیم؛ هر چند به حسب ظاهر از ترتیب مباحث جلسه خارج می‌شویم.

تخریب می‌کنند؛ چنان‌که در مورد بقیع این کار را در گذشته انجام دادند. اگر بتوانند منفجر می‌کنند؛ کاری که در ارتباط با حرم عسکرین (علی‌هما السلام) انجام دادند. از هیچ نوع اقدامی دریغ ندارند. اما چرا؟ من از یک منظر دیگر موضوع را می‌بینم. در نگاه سطحی جواب این است که حرم و قبر مطهری است، کسانی آنجا مراجعه می‌کنند با این احساس که ولی خدا مرده و زنده‌اش فرقی نمی‌کند، می‌شنود، با او سخن می‌گویند، عرض ارادت می‌کنند، دعا می‌خوانند و در نگاه اول یک آیین دینی است. یک آیین دینی جزء شعائر محسوب شود، به نظر نمی‌آید این قدر با آن دشمنی کنند؛ چون آن جریان دشمنی‌هایش روی حساب است. باید پس ما بیشتر فکر کنیم و مسئله را دقیق بررسی کنیم. وقتی که جوانب مسئله را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که حق دارند؛ زیرا آنها خودشان را در برابر یک رفتار آیینی نمی‌بینند، بلکه در برابر یک نهاد تمدن‌ساز می‌بینند! لذا باید مقابله کنند، باید منفجر کنند، باید شبه‌افکنی کنند، باید مسخره کنند، باید هر کاری از دستشان بر بیاید انجام دهند؛ چون در برابر یک رفتار آیینی سطحی نیستند. اگر فقط یک رفتار آیینی

می‌گیرند و زیارت حرم شریف را مرده‌پرستی می‌دانند. من از این منظر نمی‌خواهم موضوع را بررسی کنم، که البته خوب است مطرح شود؛ زیرا این شبهات کم و بیش مطرح است در محافل و جلسات و نوشته‌هایشان آن را بیان می‌کنند. در سال‌های اخیر جریان وهابیت دست به قلم شده و با زبان‌های مختلف کتاب منتشر می‌کند. اشخاصی را هم اجیر کرده‌اند که مطالبی را به زبان فارسی می‌نویسند و جزواتی را به حجاج و زوار می‌دهند. مراکزشان هم در کشورهای مختلف فعال هستند و این بحث‌ها را مطرح می‌کنند. در کشور خودمان هم نمونه‌هایی مشاهده شده است که این جریان‌های فعالیت‌هایی دارند و به همین ترتیب موضوعات مختلفی از قبیل توسل و شفاعت را زیر سؤال می‌برند. از آن منظر هم خوب است که بررسی شود و پاسخ‌هایش به لحاظ کلامی مهیا شود. اما من از منظر دیگری به مسئله نگاه می‌کنم و آن عبارت است از اینکه یک بار دیگر ما به خود زیارت فکر کنیم تا ببینیم چرا جریان موهوم و منحط و باطل وهابیت در ارتباط با زیارت این‌گونه مواجهه دارد. اگر دستشان به شبه‌افکنی برسد، شبه‌افکنی می‌کنند؛ اگر دستشان برسد حرم

به حسب ظاهر جزء پیروان این مکتب هستیم. خود ما هم دیدمان دیدد دقیقی نیست. دیدد سطحی و ظاهری و ظاهرنگرانه است. وقتی مسئله را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که شگفتا! زیارت نه صرفاً یک آیین که آیین هم هست؛ نه یکی از شعائر، که هست، بلکه خودش یک نهاد و مکتب است که در انسان‌سازی، پرورش مؤمنین، نظام‌سازی و تمدن‌سازی، نقش ممتاز و بی‌بدیلی دارد. این‌گونه مسئله را باید ببینیم. بنابراین خود ما باید نگاهمان را درباره زیارت تجدید و عوض کنیم. دوباره باید مطالعه کنیم و آن را از نو بشناسیم. زیارت یک معنای عام دارد که اختصاص به مکان ندارد. طبق اعتقادات و مبانی خودمان هر کسی از هر جا می‌تواند با آن ارواح مطهر و پاک که سرشار از حیاتند، حیات متکامل کامل ابدی فیاض، متصل و مرتبط شود، از آنان استضاءه و استناره کند و آنها را در پیشگاه خدا واسطه قرار دهد. انحصار به مکان ندارد. این یک معنای عام است. اما بحث فعلی ما، بحث زیارت خاص است. زیارت خاص یعنی به هر شکلی، از شهر خودتان حرکت کنید و بگویید: «اللهم إلیک صمَدْتُ مِنْ أَرْضی وَ قَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءً

بود، چنین مخالفتی نمی‌کردند. از مدل مقابله دشمن استفاده می‌شود که اینجا خبرهایی هست. گاهی انسان برای اینکه بفهمد چیزی که دستش هست، چقدر قیمت دارد، خوب است از منظر دیگران هم آن را ببیند. گفت:

خوش‌تر آن باشد که سرّ دلبران

گفته آید در حدیث دیگران [۱]

وقتی می‌بینیم جماعت عنود پدید این‌گونه با مسئله‌ای دشمنی می‌کنند، معلوم است آنجا خبرهایی هست. ما دوستان اهل بیت (علیهم السلام) و پیروان اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، باید دوباره زیارت را مطالعه و بررسی کنیم. خود ما آن‌طور که باید، زیارت را نمی‌شناسیم. خیلی از ماها به مسئله زیارت، آیینی و تبرکی و تقدسی نگاه می‌کنیم. می‌پرسیم: زیارت چیست؟ خیلی از دوستان می‌گویند: آنجا می‌رویم تا متبرک شویم! اگر یک مقدار معرفتشان بیشتر باشد، می‌گویند آنجا می‌رویم حوائجمان را مطرح می‌کنیم؛ زیرا در پیشگاه خداوند متعال و در آن حرم مطهر دعا مستجاب است. اینها برداشت خیلی از ماها است که

است. ضمن اینکه عالم است به علم الهی و قادر است به قدرت الهی، رحیم و مهربان است به مهر الهی. به اعتقاد خالص شیعی، امام مظهر علم، قدرت، رحمت، سمیع، بصیر و خبیر است. برای او اینکه در کالبد عنصری این جهانی باشد یا ایام حیات ظاهری اش سپری شده باشد، هیچ فرقی نمی‌کند. طبق این نگاه شما وقتی وارد آن حریم اقدس و عرشی می‌شوید، در حقیقت به زیارت خود امام (علیه الصلوٰه و السلام) می‌روید. آن مضجع نمادی است از آن بزرگوار به اعتبار اینکه در آنجا پیکر مظهر امام (علیه الصلوٰه و السلام) قرار گرفته است.

ابعاد عبادی و اجتماعی زیارت

۱. دستیابی به معرفت نفس

در این نگاه چه اتفاقاتی می‌افتد؟ اولاً زیارت یک مکتب معرفتی است. بُعد معرفتی نهاد زیارت، باب عجیبی است. در محور معرفتی و شناختی، زیارت سهم عجیبی در معرفت نفس دارد. سهم متمازی در معرفت انسان کامل دارد و سهم بی‌بدیلی در معرفت بلندمرتبه‌ای دارد که مقصد همه‌ی عارفان و اولیا است: معرفت الله تبارک و تعالی. شما در

رحمتک» قصد و حرکت کردم راه را طی کنم تا خودم را مثلاً به مشهد مقدس برسانم. بعد وارد آن حریم اقدس شود، آنجا زیارت کند. در اینجا دقیقاً به معنای زیارت حرمی، مورد نظر ما است. این - همان طور که عرض کردیم - صرفاً یک آیین نیست، یک نهاد است. وجوه زیارت عبارت است از: شکرگزاری و بازشناسی نعمت. ببینیم مکتب ما چه سرمایه‌های بزرگ و عظیمی دارد.

وقتی خوب بررسی کردید، به آن وهابیت کوردل که دشمنان سرسخت مکتب اهل بیت است، حق می‌دهید که این جور برآشفته و نگران باشند.

زیارت در اینجا دیدار است؛ یعنی شخص مصمم می‌شود و قصد می‌کند از خانه‌اش هجرت کند، مسافت‌ها را طی کند، و با سختی و آسانی خودش را دقیقاً برساند آنجایی که مضجع امام (علیه السلام) است. آنجا را مشاهده کند و عرض ادب داشته باشد به محضر حضرت و فیضش را بگیرد و برگردد. این زیارت است. در زیارت مجموعه عقاید شیعه فهرست می‌شود. به اعتقاد شیعه، امام (علیه السلام) در عالی‌ترین سطح حیات مشرف، حاضر، ناظر، بصیر، سمیع و مظهر اسماء الحسنی

مراتب کمال در وجود مقدس انسان کامل و امام و حجت خدا و در بحث ما «حضرت رضا (علیه الصلوٰه و السلام)» آشنا می‌شوید، به همان نسبت به واقعیت شخصیت خودتان پی می‌برید و ضعف‌ها، کمی‌ها، کاستی‌ها، کژی‌ها و عیب‌ها را می‌بینید. مثلاً کافی است انسان آنجا با صفت عصمت امام (علیه السلام) روبرو شود. خودش را نگاه می‌کند، خطا و اشتباه و ارجاس و انجاس را مشاهده می‌کند. یکجور خودیابی از منظر خود واقعی است که انسان بتواند واقعیت خودش را ببیند.

در باب شناخت خود انسان کامل، آنچه در حرم اتفاق می‌افتد، جلوه‌هایی از شهود است. به تصرف ولی کامل مشاهداتی اتفاق می‌افتد برای اینکه انسان بتواند خودش و حجت کامل را بهتر بشناسد. یک جورهایی از جمال، کمال، عظمت و آن شکوه پرده‌برداری می‌کنند.

۲. دستیابی به معرفت الهی

در محور معرفت الهی، چون وجود مقدس ولی کامل آینه است، دعوتشان دعوت به حق تعالی و اسماء الحسنی است. اصلاً وجودشان دعوت است. بلکه وجودشان جلوه‌های اسماء است.

زیارت امام (علیه الصلوٰه و السلام) به معرفت نفس می‌رسید. اینکه شخص در چه موضع، شرایط، آداب و موقفی باشد، بحثش محل سخن من نیست. فرض می‌کنیم با توجه آنجا می‌رود. در آنجا انسان به خود حقیقی‌اش وقوف پیدا می‌کند و از خود موهومش نجات پیدا می‌کند. این اثر زیارت ولی خدا است.

نگاه ما به ولی کامل و حجت خدا چیست؟ او انسان تمام و تمام انسان است. من کی هستم که اینجا هستم؟! من هم با حضرت نسبت دارم. من هم انسان هستم و در وجود امام (علیه الصلوٰه و السلام) ظرفیت‌های وجودی خودم را می‌توانم شناسایی کنم. لذا شما آنجا که مشرف می‌شوید، شروع می‌کنید فهرست کردن ویژگی‌های امام (علیه الصلوٰه و السلام). در متن‌های زیارتی، شما دارید یک عملیات اکتشافی در درون خودتان انجام می‌دهید. امام (علیه السلام) پایان راهی است که من در آغازش هستم. پس من از اینجا می‌توانم فطرت خودم را کشف کنم و با روح خودم آشنا شوم. شناخت امام به نوعی شناخت روح و فطرت انسان است.

اگر زیارت از سر معرفت باشد، شما به هر اندازه که نسبت به

حصنی فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي؛ [۴] کلام «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دژ و حصار من (خدا) است. پس هر کس به دژ و حصار من داخل شود، از عذاب من امنیت خواهد یافت». دعوت به «لا اله الا الله» است. البته مقداری حرکت کردند، امام (علیه السلام) درنگ کردند و تکمله‌اش گفتند: «بِشْرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا؛ و این شروطی دارد و من (علی بن موسی الرضا) یکی از آن شرطها هستم». اگر توحید ناب بخواهد شناسایی شود، این بابش است. یعنی در مقام تحقق توحید در زندگی شخصی این راهش است. اگر کسی می‌خواهد محقق توحید ناب شود، این شرطش است: یعنی ولایت الهی است. اگر بخواهد توحید در جامعه ساری و جاری شود، در زندگی مردم جریان پیدا کند، بدون امام چنین چیزی امکان ندارد؛ زیرا فرمودند: «بِشْرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا». این جمله هم غلط مشهور است: «بِشْرُوطِهَا وَ شُرُوطِهَا». بشروطها یعنی همان جریان جاری امامت از حضرت امیر (علیه الصلوه و السلام) که سیدالاصیاء است تا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و (علیه الصلوه و السلام) که خاتم الاوصیاء است. جالب است که

انسان وقتی با ولی کامل روبرو می‌شود، خدا را مشاهده می‌کند. راه نزدیک میانبر بسیار نزدیک به معرفت‌الله، معرفت‌الامام (علیه السلام) است. امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ؛ [۲] معرفت من به نورانیت معرفت خداوند عز و جل است». شناخت امام در مرتبه نورانیتش همان شناخت خدا است. این باب معرفت الهی در زیارت به روی انسان باز می‌شود و چه باب دلپذیر و شیرینی است! برخلاف اوهام و تخیلات و چرندگویی‌های این جماعت خبیث پلید کثیف، عین توحید است، اصلاً توحید خالص است. آنجایی که توحید بدون هر شائبه‌ای مطرح می‌شود، در همان حریم عرش و اقدس است. چون آنجا اصلاً دعوت به کسی نیست؛ امام یعنی حجت خدا! یعنی آینه دار اسماء الحسنی الهی. بنابراین امام دعوتش دعوت به خدا است. «وَمَنْ أَحْسَنَ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ؛ [۳] و کیست خوش‌گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید؟» مصداق تامش امام (علیه السلام) است. وقتی قدم مبارکشان به نیشابور رسید و آن جماعت هم از راه رسیدند و حکمتی خواستند، حضرت گفتند: «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

کمال رسیده است. چیزی بیشتر از این نمی‌بیند. چیزی بیشتر از این درباره آنها نمی‌گوییم. آنهایی که می‌گویند، ربطی به مکتب اهل بیت ندارد. جمله‌ای از حضرت رضا (علیه الصلوٰه و السلام) است که فرمودند: سه جور راجع به ما بد می‌گویند. یکی همان‌هایی هستند که راجع به ما غلو می‌گویند. اینها را در مکتب اهل بیت خیلی تقبیح کرده‌اند. «نزلونا عن الربوبیه و قولوا فینا ما شئتم؛ [۵] ما را به حد خدای نرسانید اما راجع به [فضایل] ما هر خواستید بگویید». درباره ما ربوبیت و خدایی نگویید، یعنی بگویید اینها بنده‌اند، آن وقت هر چه می‌خواهید بگویید. اما هر چه که درباره فضیلت ما بگویید، کم است و به جایی نمی‌رسید.

۳. آشنایی با مبانی دینی از طریق خواندن زیارتنامه‌ها

در بخش معرفتی یک اتفاق دیگر هم در آن حریم اقدس و نورانی می‌افتد و آن متن‌هایی است که مبادله می‌شود. ما یک سری متن داریم که اسمش زیارات مأثوره هست. البته آنها شرط زیارت نیست؛ یعنی کسی به زیارت برود، کافی است همین که بدانند به محضر امام

اگر کسی طبق این جریان‌شناسی تاریخی امامت، به امامت حضرت رضا (علیه الصلوٰه و السلام) برسد، می‌شود «شیعه اثناعشری». تا قبل از حضرت کسانی را داریم که معتقد به ولایت حضرت کاظم (علیه الصلوٰه و السلام) هستند، اما همان جا متوقف می‌شوند و اسماعیلیه و فرق دیگر می‌شوند. اما کسی که رسید به حضرت رضا (علیه الصلوٰه و السلام) در مسیر امامت، شیعه اثناعشری است. اینجا دیگر ما فرقه نداریم. این هم خودش نکته دقیقی است.

پس امامت باب معرفت الهی است؛ زیرا آنجا دعوت می‌شود به سوی خداوند متعال، دعوت می‌شود به عبادت، دعوت می‌شود به نماز، دعوت می‌شود به تقوا، دعوت به توحید است، دعوت به «لااله الاالله» است، دعوت به تکبیر است، دعوت به تقوا، اخلاق، ایمان، صفا و معنویت است.

من به بعضی از افراد فریب‌خورده که تحصیل کرده جامعه ام القری هستند، گفتم: مگر در این حرم به کسی جز خدا متعال دعوت می‌شود؟ کسی که به آنجا مشرف شد، فقط عبودیت می‌بیند، عبد می‌بیند، بنده خدا می‌بیند، بنده کامل می‌بیند که در عبودیتش به

که به حسب ظاهر ما می‌خوانیم و از کنارش رد می‌شویم! معرفه الله هست، معرفه الحجه هست، معرفه الکون هست، معرفه التاریخ هست. خطوط اصلی و راهبردهای عملی و اقدام هست. همه چیز در این زیارتنامه‌ها هست؛ مخصوصاً زیارتنامه‌های مربوط و مخصوص به حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) که خیلی مفصل و متنوع است و از ناحیه اولیای خدا رسیده است. این فقط جنبه معرفتی است. شما اگر از این محور عبور کنید، وارد جنبه تربیتی یا سلوکی می‌شوید. اینجا هم عالم عجیبی پیش روی شما باز می‌شود. اتفاقاتی که در ارتباط با سیر و سلوک و طی منازل انسانیت در محضر امام (علیه السلام) و در این زیارت‌ها و دیدارها اتفاق می‌افتد، خیلی عجیب است.

فرزند مرحوم آیت‌الله العظمی آقای سید جمال الدین گلپایگانی (رحمه الله علیه) نقل می‌کند که یک وقتی ایشان به من گفتند - البته مثل اینکه استنکافی هم داشتند از گفتن این مطلب ولی بعد از سال‌ها این را به ما گفت - که من یک بار به حرم علی بن ابی طالب (علیه الصلوٰه و السلام) مشرف شدم، وقتی از آن حریم عرشی خارج شدم احساس کردم همه عالم در اختیار من

(علیه السلام) می‌رود. به هر زبان و بیان سلام کند و با حضرت ارتباط بگیرد، جوابش را می‌دهند و ارتباط برقرار می‌شود و زیارت انجام شده است. بر اساس نیت و فهمش می‌تواند به تمام برکات آن زیارت هم ان‌شاءالله به لطف خدای متعال برسد. اما ما متن‌هایی داریم به نام «زیارتنامه». زیارتنامه‌هایی که توسط اولیای خدا انشا شده است، خودش می‌شود یک مجموعه بسیار بزرگی معارفی که در اختیار ما هست. مجموعه بسیار بزرگ حاوی اسرار عظیم در محور خداشناسی و معرفت الله، انسان‌شناسی در شناخت‌های عالی درجه یک و امام‌شناسی. همه اینها در مجموعه‌هایی است که ما به نام زیارتنامه می‌شناسیم.

اشتباه محض است که کسی بخواهد با متن‌های زیارتی و زیارتنامه‌ها، مواجهه‌های آیینی تبرکی داشته باشد. اینها در درجه اول یک دستگاه معرفتی بزرگ است. حدود ۲۴، ۲۵ سال پیش، به مناسبتی به خودم آمدم و تصمیم گرفتم که در ارتباط با زیارت‌های وارد شده درباره سیدالشهدا (علیه الصلوٰه و السلام) تحلیل محتوایی کنم. واقعاً متحیر ماندم که چه خبر است! چقدر معارف فهرست و گنجانده شده در همین متن‌هایی

فرمودند به دیدن ما بیایند، از آنجا که خارج می‌شوند، تمیز، پاک و مطهر می‌شوند؛ البته به شرائطها که حالا نمی‌خواهیم راجع به آن صحبت کنیم. اصل مسئله مغفرت است. امام (علیه‌السلام) آبشار بلندی است که از ساق عرشه می‌ریزد و انسان را تمیز می‌کند. ما وقتی وارد حرم می‌شویم، فرشتگان مأمور که ما را می‌بینند، حالشان بد می‌شود. بی‌ریخت، کثیف، بوگندو، این جوری می‌آید توی حرم. اما حالش حال استغفار و پشیمانی است. وقتی خارج می‌شویم، فرشته‌ها تعجب می‌کنند و می‌گویند: تو بودی الان آمده بودی؟ تو بودی یک ساعت قبل وارد شدی؟ می‌بیند هیچ اثری از آن زشتی‌ها و پلشتی‌ها که در شخصیت او بود نیست. می‌گویند: قدر خودت را بدان! خرابش نکن! اینها آثار کیمیایی آن حرم است. باید به آن بیت وارد شوی تا این اتفاق بیفتد. از این طهارت تا دستگیری‌هایی و کشف‌هایی که می‌شود، تصمیم‌های سلوکی گرفته می‌شود. من یک وقت بررسی کردم دیدم عمده تصمیم‌ها و عزم‌ها برای سیر منازل، در حرم‌ها گرفته می‌شد. آنهایی که کارهای بزرگی کرده‌اند، آنجا تصمیم گرفتند و با ولی خدا عهد بستند.

است. وضع عجیبی در خودم دیدم. اصلاً دیدم این شرایط را نمی‌توانم تحمل کنم. برگشتم محضر حضرت و از حضرت خواستم که این حالت از من گرفته شود. آیا این حالت جز دیدار با علی بن ابی طالب (علیه الصلوٰة و السلام) برای کسی رخ می‌دهد؟ آنجا چنین اتفاقاتی می‌افتد. ملاصدرا هم که شده باشد، خوشه‌چین معارف همین بیت است. در قریه کهک قم منزل می‌کند. آنجا رفته، دیدم حس عقلی و فلسفی پیدا می‌کنم. وقتی انسان آنجا می‌نشیند، حس جالبی دارد که خیلی شیرین است. او می‌گوید: هر وقت که در سیر مدارج عقلی و حل مشکلات کم می‌آوردم، خودم را به حرم می‌رساندم، آنجا دو رکعت نماز می‌خواندم، مطلب برایم حل می‌شد. همین مرد در المظاهرالالهیه چیزهایی می‌نویسد که نشان می‌دهد افق، افق یک شخص عادی نیست که به این حرف‌ها رسیده باشد. اینها را به او داده‌اند. اینها اشراق است. همه‌اش توحید ناب اشراق است. حالا درباره زیارت چی بگوییم؟ در دیدار با حجت خدا مهم‌ترین اتفاقی که برای انسان زائر می‌افتد، طهارت و بهره‌مندی از مغفرت الهی است. چطور می‌خواهد به این برسد؟

تابستان‌ها آنجا مشرف بودند. حدود بیست و چند سال پیش که من اردو می‌بردم، اردوی ما حلقه ذکری در دارالزهد داشت. آنجا گعده‌ای داشتیم. آقا هر روز ساعت شش می‌آمدند. عتبه‌بوسی داشت. با آن جایگاه خاصی که داشت، می‌افتاد و زمین و آن باب را می‌بوسید. بعد پا می‌شد یک زیارت مختصری انجام می‌داد. بعد می‌نشست؛ از همان نشستن‌ها، سرپایین می‌رفت. در این دریای ذکر غرق می‌شد. اینها اگر چیزی گیرشان آمده، از این دستگاه گیرشان آمده است.

صحنه‌های خیلی جذابی که در ارتباط با رهبر عظیم‌الشان در آن حرم می‌بینید، آن غبارروبی و آن صورت گذاشتن بر آن قبر مطهر و... همه‌اش سیر است، همه‌اش سلوک است، همه‌اش دستگیری است، اصلاح است؛ چون آنجا عزم پیدا می‌کند هم به کشف می‌رسد، هم به عزم خودش را پیدا می‌کند و عیب‌های خودش را می‌شناسد و از حضرت برای خودسازی کمک می‌گیرد. کسی که بیدار نشده، حضرت بیدارش می‌کند. کسی که بیدار است، حضرت حرکتش می‌دهد. آنی که حرکت کرده، حضرت سرعتش می‌دهد. شخصی که سرعت گرفته، سبقتش می‌دهد.

در خانه آنها است که: «فی یبوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمُهُ» [۶] در خانه‌هایی که خداوند اذن داده رفعت یابند و نام او در آنها ذکر شود. شما آنجا که وارد می‌شوی، از در و دیوارش ذکر می‌ریزد. بلکه آنجا مرکز، منبع، بنیان و چشمه ذکر است. شما خودتان را انداخته‌اید در این دریای ذکر الهی.

یک جهانگرد اروپایی به ایران آمده بود. اصفهان رفته بود. مسئله مشهد برایش مطرح می‌شود و به قصد تکمیل برنامه‌ی ایرانگردی‌اش می‌گوید: بروم آنجا هم دیداری داشته باشم و نگاهی هم آنجا بکنم. یک دفعه به یک کشف رسید و وارد حرم شد. اینجا کجا است؟ این دعوت چیست؟ این صدا از کجا می‌آید؟ تا آنجا که تشرّف رسمی به مذهب تشیع پیدا کرد. حضرت یک لحظه پرده را کنار زد و جوشش ذکر را از زمین و آسمان به این بنده خدا نشان داد. زمینه‌ای داشت که به او نشان داده بود. کدام استادی کارهایی را که امام رضا (علیه السلام) انجام می‌دهد، بلد است؟ بزرگ بزرگ‌هایش کوچک کوچک‌های شاگردان این دستگاه هستند. مکرر حضرت بهجت (رضوان الله تعالی علیه) را در حرم مطهر زیارت کرده بودیم. ایشان

انس‌ها، ارتباط‌ها، برادری‌ها در همین حرم مطهر رخ داده است. چیزی که بیرون خیلی کم پیش می‌آید. شما الان می‌روید مشاهد، می‌بینید از همه‌ی عالم زائر آمده است. آنجا همدیگر را می‌بینند و می‌شناسند، ارتباط می‌گیرند و با همدیگر انس پیدا می‌کنند. در این ارتباط‌ها و تبادل‌ها که به مناسبت وجود امام است، آشنایی‌ها و ارتباطات ارتباطات دائمی شکل می‌گیرد. حتی شما با دوستی که به حرم می‌روی، وقتی از حرم بیرون می‌آید، خیلی دوست‌ترید و رابطه‌تان خیلی تکامل پیدا می‌کند. از همین زاویه نگاه کنید، انسجامی که به شیعه می‌دهد، ارتباطی که بین آنها برقرار می‌کند، سازماندهی که بین آنها درست می‌کند، باعث می‌شود همه با هم احساس خاصی داشته باشند؛ مثل فرزندان یک پدر که در حضور پدر هستند. خیلی حس شیرینی است، جنس خاصی از برادری است. فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» [۷] من و علی پدران این امت هستیم». وقتی همه‌ی برادرها در حضور پدر هستند و سایه او بالای سرشان است و دست محبتش بالای سرشان است، چه احساس شیرینی به همدیگر پیدا می‌کنند؟ مثل تجدید برادری‌ها است. در حرم

کسی که سبقت گرفته، وصلش می‌کن و به مقصد می‌رساند. انسان از آن حرم مطهر بیرون می‌آید، چقدر مهربان و آرام شده! حضرت، خورجین او را از همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها پر می‌کند؛ لذا آدم وقتی از حرم بیرون می‌آید، احساس عجیبی دارد. احساس می‌کند بزرگ شده است.

اگر بخواهم تجربه‌نگاری‌های شخصی خودم را از فیوضات و برکات حرم مطهر بنوسیم، چند جلد کتاب می‌شود. بسیاری از نکته‌های دقیق قرآنی در آن حرم برای من معلوم شد. تلاوت قرآن کریم در حرم با تلاوت قرآن کریم در جاهای دیگر خیلی فرق می‌کند. در محضر ولی کامل است. کشف الغطا می‌شود از جمال قرآن. طبعی است؛ چون آنجا بیت القرآن است. هیچ جا چنین اتفاقی نمی‌افتد. چندی پیش توفیق پیدا کردم یک دو سه روز در حرم علوی کل قرآن کریم را در محضر حضرت نگاه کردم.

۴. انسجام‌بخشی به شیعیان

آیا دشمن، به تعبیر ما، حق ندارد که با زیارت مبارزه کند؟ شیعه با داشتن زیارت همه‌چیز دارد. چقدر دوستی‌ها، محبت‌ها، آشنایی‌ها،

دلشان را آزاد می‌کند، بعد که بیرون می‌آیند، می‌خواهند بخشش کنند. آدم بخیلی بود، اما حالا دست و دل باز شد، جواد شد، اهل سخاوت شد. آنجا تصمیم می‌گیرد آقا اگر فلان چیز را به من بدهی، فلان کار را می‌کنم. حضرت هم می‌گویند باشد. همین، منشأ آثار خاصی می‌شود.

مرحوم آقای حاج عبدالله دماوندی، شخصیتی بزرگوار از منطقه بود. مجتهد بود و تا پایان عمر در نجف بود. گاهی تابستان‌ها به محل ما می‌آمد. ظاهراً خدای متعال شش تا دختر و پنج تا پسر به ایشان داده بود. پسرهایشان همه معمم، روحانی، واعظ، خطیب، محقق و فقیه هستند. عمدتاً در لبنان و عراق هستند. اما راجع به دخترهایش، من شنیدم که مرحوم حاج عبدالله گفته بود که من همه‌ی دامادهایم را خودم انتخاب کردم. گفته بودند: چطور؟ کسی دامادش را که خودش انتخاب نمی‌کند، معمولاً می‌آیند و خواستگاری می‌کنند. ایشان با حضرت علی (علیه الصلوٰه و السلام) عهدی داشته به این صورت که در زمانی که دخترش به سن ازدواج می‌رسیده، به حرم می‌رفته و توسل می‌کرده است. قرارش هم این بوده که می‌آمده

چنین اتفاقی می‌افتد. اینها دائم در جریان هستند. گروهی می‌روند، گروهی می‌آیند و ارتباط‌ها برقرار می‌شود. دائم تکرار می‌شود.

۵. بسترساز خدمات اجتماعی فراوان

در محور اجتماعی اتفاق بزرگی که می‌افتد خدمات اجتماعی است. فقط و فقط از برکت زیارت حرم زیارت حرم مطهر امام رضا علیه الصلوٰه و السلام چقدر خدمت و محبت توسط دوستان حضرت توزیع شده است؟ می‌روند آنجا، قرار می‌گذارند بیمارستان می‌سازند؛ می‌رود زیارت وقف می‌کند؛ می‌رود زیارت مدرسه می‌سازد؛ می‌رود زیارت گره‌گشایی می‌کند؛ می‌رود زیارت جهیزیه می‌دهد؛ می‌رود زیارت ازدواج درست می‌کند. اینها قابل شمارش نیست. در طول این قرن‌ها چقدر چنین خدماتی اتفاق افتاده؟ این همه موقوفات و خدمات در سراسر کشور ما و حتی عالم اسلامی، از رهگذر همین زیارت‌ها است. آثار اقتصادی حضور در حرم مطهر و زیارت نیز جالب است. ثروتمند اگر اهل زیارت باشد و زائر شده باشد، بند دلش از مال پاره می‌شود. این کیمیای زیارت است!

می‌رفته و توسل می‌کرده است. قرارش هم این بوده که می‌آمده جلوی ایوان می‌نشسته است. اولین سید تروتازه، خوشگل، معمم و تمیز که از حرم بیرون می‌آمد، صدایش می‌زد. ایشان به این قاعده شش تا داماد انتخاب کرده که یکی‌اش آقای طباطبایی است که در لبنان است. من خیلی دوستشان دارم، متقابل ایشان هم خیلی به بنده لطف دارد.

در ایوان می‌نشسته، سیدی که می‌آمد، صدایش می‌کرد و می‌گفت: چه خبر، کجایی هستی؟ ازدواج کردی؟ نه! چرا؟ جوان به این سن، به این خوبی، به این جالبی؟ همه‌چیزت میزان است. مفصل احوالش را می‌پرسید. بعد می‌گفت: من کسی را می‌شناسم که همه‌چیزش جور است. وقتی طرف می‌آمد، می‌دید که خودش پدر این خانم است. بعد هم همانجا خودش صیغه را می‌خواند. به این صورت شش تا داماد گرفته بود.

۶. نظام‌سازی در بُعد سیاسی

چه بگوییم راجع به ابعاد سیاسی زیارت؟ چیز که شیعه را در غربت‌ها حفظ کرده، به او امید داده، روحیه داده جسارت داده، قوت قلب داده،

شده باشد، بند دلش از مال پاره می‌شود. این کیمیای زیارت است! دلشان را آزاد می‌کند، بعد که بیرون می‌آیند، می‌خواهند بخشش کنند. آدم بخیلی بود، اما حالا دست و دل‌باز شد، جواد شد، اهل سخاوت شد. آنجا تصمیم می‌گیرد آقا اگر فلان چیز را به من بدهی، فلان کار را می‌کنم. حضرت هم می‌گویند باشد. همین، منشأ آثار خاصی می‌شود.

مرحوم آقای حاج عبدالله دماوندی، شخصیتی بزرگوار از منطقه بود. مجتهد بود و تا پایان عمر در نجف بود. گاهی تابستان‌ها به محل ما می‌آمد. ظاهراً خدای متعال شش تا دختر و پنج تا پسر به ایشان داده بود. پسرهایشان همه معمم، روحانی، واعظ، خطیب، محقق و فقیه هستند. عمدتاً در لبنان و عراق هستند. اما راجع به دخترهایش، من شنیدم که مرحوم حاج عبدالله گفته بود که من همه‌ی دامادهایم را خودم انتخاب کردم. گفته بودند: چطور؟ کسی دامادش را که خودش انتخاب نمی‌کند، معمولاً می‌آیند و خواستگاری می‌کنند. ایشان با حضرت علی (علیه الصلوٰه و السلام) عهدی داشته به این صورت که در زمانی که دخترش به سن ازدواج می‌رسیده، به حرم

چون می‌دانند که مرکز فکر، تربیت، حیات اجتماعی و سیاسی شیعه، حرم ولی خدا است. باید به آنجا حمله کند. این است که دائم زیارت را زیر سؤال می‌برند.

این برادران - مثل همه شماها - تعلق خیلی عجیبی به حضرت رضا (علیه السلام) دارد. از اول طلبگی دنبال کسی می‌گشتیم که دست ما را بگیرد. بیست سالمان بود که دنبال استاد می‌گشتیم، اما هیچ کس زیر بار نمی‌رفت. آقای خسروشاهی گفت که حرم مطهر حضرت رضا (علیه السلام) بسط بنشینید و از حضرت بگیرید. حرم مطهر رفتیم. آنجا نشستیم. طبق روالی که ایشان گفته بود، وقتی آمدیم، در زدیم. تا در را باز کرد - بدون اینکه از قبل مطلع باشد - سلام کرد. از ما استقبال کرد و گفت: کار خودتان را کردید؟ معلوم بود به او گفته بودند که هوای این بچه‌ها را داشته باش. یکی یکی ما را بوسید.

هیچ کس را در این عالم پیدا نمی‌کنید، مگر اینکه خاطره، تجربه، دریافتی و سهمی از مهربانی آن بزرگواران دارد. هند رفتیم، ترکیه رفتیم، اروپا رفتیم، همه از مهربانی امام رضا (علیه السلام) می‌گفتند. یکی می‌گفت: من بچه نداشتم،

بصیرت داده، شیعه را به هم بافته، سازماندهی کرده، زیارت بوده است. البته شعبه‌هایشان که امامزاده‌ها هستند نیز چنین خاصیتی دارد. امامزاده‌ها همه شعبه‌های همان حرم هستند که همه جا توزیع شده است.

در حرم می‌گویید: «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَمْ وَحَرِّبْ لِمَنْ حَارَبَكَمْ وَوَلِّ لِمَنْ وَالَّكُمْ وَعَدُوِّ لِمَنْ عَادَاكُمْ». خط و جبهه‌تان را تعریف می‌کنید. من با دشمنان شما دشمن، و با دوستان شما دوستم. بعد با حضرت پیمان می‌بندید. هر زیارتی تجدید بیعت با امام و حجت خدا است. همانجا باید امام زمان و شرایط خودت را بدانی. الان می‌گویم: «ولی لمن والاکم» کجا باید بایستیم؟ با کدام دوست شما؟ آیا الان من حجت و ولی دارم؟ ارتباطم از طرف شما چیست؟ عصر غیبت از طرف شما تعیین تکلیف شده، تکلیف من الان چیست؟ اینکه گفتم زیارت نظام‌سازی می‌کند، اینجا است. آن وقت جمهوری اسلامی و نظام اسلامی درست می‌کند. ایران سند خورده به نام حضرت رضا (علیه الصلوه و السلام). حالا بگویند حق دارند این‌گونه مقابله کنند؟ دشمن است، باید به او حق دهید. اگر دستش برسد هر کاری می‌کند؛

منابع و مأخذ

- [۱]. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول.
- [۲]. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱.
- [۳]. فصلت: ۳۳.
- [۴]. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۳۵.
- [۵]. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۹۹؛ ج ۶۹، ص ۴۴.
- [۶]. نور: ۳۶.
- [۷]. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۹۵.

هیچ کس را در این عالم پیدا نمی‌کنید، مگر اینکه خاطره، تجربه، دریافتی و سهمی از مهربانی آن بزرگواران دارد. هند رفتیم، ترکیه رفتیم، اروپا رفتیم، همه از مهربانی امام رضا (علیه السلام) می‌گفتند. یکی می‌گفت: من بچه نداشتم، رفتم حرم امام رضا (علیه السلام)، خدا به من بچه داد. اخیراً یکی می‌گفت: من بچه نداشتم، رفتم خدمت حضرت رضا (علیه السلام) به من سه قلو داد. همه از حضرت خاطره دارند.

خدا را قسم می‌دهیم به حق خود حضرت و به بزرگی و کرمش و به زیبایی‌اش و به جمال و نور و حقیقتش، اسلام، مسلمین و پیروان اهل‌بیت را عزت کرامت کند. دشمنان اهل‌بیت را نابود کند، مخصوصاً داعش پلید و آل سعود ملعون را. خدا را قسم می‌دهیم به حق محمد و آل محمد، بشریت، مظلومین عالم، مستضعفین، به‌ویژه مسلمانان مظلوم یمن را نجات عنایت کند.







افوغها؛ درنگی بر مسائل تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(سه‌شنبه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی **شهادی** هفتم تیر